



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۷/۱۲

نادر شاه سدوزی

مسئولیت دولت در چه است؟



اگر مسئولیت دولت را در مجموع اداره و رهبری مملکت بدانیم، پس مسئله قومی نباید هیچ ربطی و یا هیچ پایگاهی در مقام دولتی داشته باشد. دولت گروهی متشکل از افراد مختلف بوده که باهم متحد می باشند و در راهی اداره مملکت مشترکاً سهیم بوده، در غیر آن مملکت به صورت درست و شایسته آن اداره نخواهد شد.

پس قومی ساختن مسئولیت دولتی که از طرف بعضی ها مطرح است نمی تواند چیزی دیگری باشد به جز از یک اشتباه بزرگ سیاسی.

دولت نمی تواند دست زیر الاشه بنشیند و تماشاچی باشد. وظیفه دولت اداره و رهبری مملکت است تا اینکه افرادی قانون گریز، دزد، قاچاقبر و آدمکش را از هر قومی که باشد محکمه نماید. مسئولیت اداری دولت در مملکت ما به هیچ صورت کار آسانی نبوده و نباید آنرا آسان تلقی نمود. بخصوص و نظر به مود روز، کسانی هستند که مسئولیت دولتی را به شکل قومی آن مطرح ساخته، دیده می شود که در چنته خود چیزی ندارند به جز از تعصب کور قومی. تا اینکه آنها بتوانند توسط تبلیغات پوچ و جعلی، قدرت دولتی را تضعیف و بی اعتبار ساخته ولو که خودشان هم عضو هیأت اداری در مقام های بلند قرار دارند.

چه اشتباه بزرگ سیاسی که سرنوشت مردم ما با اینگونه افراد خود پرست و بی مسئولیت یکجا گردیده است.

پس مشاهده می گردد که این گونه طرز حکومت داری تنها و تنها منحصر به افغانستان بوده که مظهر پدیده شوم آن تعصب قومی است.

اکثر وقت این طرز تفکر تبعیضی و پوچ توسط بیگانگان از خارج و حامیان شان در داخل تبلیغ می گردد تا مردم افغانستان را گمراه و از هم متفرق ساخته و اتحاد مملکت را برهم بزنند.

اصلاً مفکوره تعصب قومی یک مفکوره تبعیضی بوده که نمی توان آنرا جاگزین هیچ ایدولوژی سیاسی نمود. قوم گرایی همراه با تعصب یک مفکوره کاملاً پوچ و بی اساس ناسیونالیستی بوده که هیچ ربطی به اداره امور کشورداری ندارد و نباید هم داشته باشد. افرادی که در رأس امور دولتی قرار دارند یگانه افراد مسئول و منتخب مردم هستند که

هدف شان تأمین امنیت و اداره امور مملکت می باشد و نه قوم گرایی. مسئله قوم گرایی در سیاست کاریست جاهلانه، زیرا کسی که به سیاست علاقمند می باشد اولین وظیفه اساسی و بنیادی اش متحد ساختن اقوام است تا اینکه آنها بتوانند با اصل اعتماد و احترام متقابل روحیه همکاری و همبستگی را تقویت ببخشند و مملکت را متحدانه به طرف پیشرفت و ترقی سوق دهند. مگر با تأسف که کار دولتی به شکل درست آن به پیش نمی رود و کسانی هستند که در تخریب و دسیسه های رنگارنگ مخفیانه در فعالیت می باشند. مسئله از چه قرار است؟

از مدتی می شود که شخصی به نام «قیصار» که یکی از نزدیکان جنرال دوستم است پوسته های دولتی را با گروپ های مخالفین در تبادل گذاشته بود که البته و خوشبختانه از طرف قوای بیدار امنیتی دستگیر شد و به خائرنالی معرفی گردیده تا دوسیه وی تحت غور و بررسی قضات محترم قرار بگیرد و مطابق قانون با وی رفتار شود. ولی دیده می شود که این گونه رفتار قانونی مطابق ذوق و سلیقه چند نفر محدود نبوده که این ها عبارتند است از محقق، دوستم و عطا محمد نور. آنها به این قضیه مثل همیشه برای فلج کردن قدرت اداری و سیاسی جنبه قومی می دهند و بدین ترتیب کار حکومت را که قانونی است محکوم می نمایند. بخصوص «محقق» که در این روزها با تعزیرات و فشار های بی سابقه اقتصادی که از طرف ایالات متحده امریکا بالای ایران وضع گردیده برای وی خجالت آور است که با موجودیت قوای نظامی امریکا و حمایت همه جانبه آنها از حکومت افغانستان موقف ایرانی ها را فراموش نماید. پس وی می خواهد که عساکر قومی خود را به طرف نافرمانی سوق داده که اینگونه نافرمانی قومی در بخش عسکری یک خیانت بزرگ علیه استقلال و حاکمیت ملی افغانستان می باشد.

همچنان در باره دوستم که همه از قضیه مطلع می باشند. از طرف وی و همکارانش عمل تجاوزکارانه جنسی بالای یک نفر مخالفش در جهت مطیع نمودن وی همراه با لت و کوب انجام داده و بعداً به بهانه تداوی و فرار از چنگ قانون خود را در ترکیه پناهنده ساخته که دولت نمی تواند از این عمل وحشی گری وی چشم پوشی نماید.

این مطلب را همه می دانند که سیاست خارجی کشورهای اروپایی و بخصوص امریکا بالای یک موضوع مهم و حیاتی بنیانگذاری شده که آن هم احترام به حقوق بشر است.

فرض کنید که هرگاه دولت بخواهد از این قضیه وحشناک چشم پوشی کند پس جواب کشور های بین المللی را چطور می توان داد. بهتر خواهد بود که جنرال دوستم به مثل همکارانش به گناه خود اعتراف کند و بگذارد قضیه وی قانونی حل و فصل شود زیرا دیگر کدام راه حل منطقی وجود ندارد. در این قضیه اصلاً حقوق مردم مورد بحث قرار می گیرد که نباید به خاطر مقام و یا چیز دیگری پایمال شود.

دولت حق ندارد از حقوق مردم و بخصوص شخصی که بالایش تجاوز جنسی صورت گرفته چشم پوشی نماید. وظیفه دولت حاکمیت قانون است و حاکمیت قانون وقتی عملی می شود که محکمه و قوای قضائیه مستقلاً داخل اقدام شوند و مجرم را به هر سطحی که باشد مورد تحقیق قانونی قرار دهند. در واقعیت حاکمیت قانون کار مزاح بازی نیست. سیاست مملکت روی قانون اساسی پایه گذاری شده و وظیفه قوه اجرائیه چیز دیگری نیست به غیر از مجری قانون بر اساس قانون اساسی.

قانون اساسی برای هر یک از افراد منتخب و به خصوص رئیس دولت اختیارات و صلاحیت هایی را تفویض نموده که رئیس دولت مجبور و مکلف است آنرا مورد اجراء قرار دهد. هیأت سیاسی در هر جامعه که باشد متشکل است از یک گروپ هماهنگ که در بین آنها اتحاد فکری و دیسپلین باید مراعات گردد. ولی محقق که نفر دوم ریاست اجرائیه می باشد سیاست جداگانه از دولت را پیشه گرفته است. وی توانست افغان های مظلوم را به خاطر حمایت از ایران به جنگ سوریه بفرستد که یک تعداد آنها کشته شدند. در آن زمان با این سیاست که جنبه شخصی و خود سری داشت هیچ کس موافق نبود.

جناب محقق یک افغان است، نباید که وظیفه ایمانی، وجدانی و افغانی خود را به خاطر کسب قدرت فراموش کند. وظیفه اش وی را مکلف می سازد که از منافع والای مملکت ما افغانستان دفاع نماید و از هر گونه افکار تبعیضی جلوگیری نماید. بهر تقدیر کاریست که از وی سر نمی زند و گفتار تبعیضی قوم گرایی وی انسان را به تعجب می اندازد. وی باید قبول کند که شخصی وزیر مخابرات که نظر به فساد پولی و اداری در محکمه کشانیده شده کاریست بجا و قابل ستایش. این قضیه هیچ ربطی به مسائل قومی ندارد. وی "وزیر مخابرات" به یک عمل غیر قانونی دست زده و این وظیفه دولت است ولو که وزیر است باید محکمه شود و دوسیه وی در خانوالی مورد غور و بررسی قرار گیرد و مطابق قانون جزاء داده شود.

در خاتمه می خواهم بنویسم که مسئولیت دولت در مقابل ملت به هیچ صورت به شکل قومی مطرح نبوده و نباید باشد. این نوع اتهامات بی جا و بی منطق می باشد. زیرا وظیفه دولت قسمی که من به آن باور دارم این است که در مقابل جنایت، دزدی، فساد اداری و تبعیض قومی به هر طوری که شده همه جانبه مبارزه شود تا اینکه مشکلات روزمره مردم به طور نسبی حل و فصل گردد.

پایان

